

توافق نامه پاریس - مسئولیت اخلاقی زحمتکشان جهان

مجید پهلوان
www.majidpahlavan.com

بالاخره و پس از چانه زنی های بسیار کنفرانس پاریس به کار خود پایان داد. پس از دو هفته کار شبانه روزی توافق نامه با امضا ۱۹۰ کشور شرکت کننده میگوید که امضاکنندگان توافق نامه پاریس تعهد میدهند که گرمایش زمین را در افزایش دودرجه سانتی گراد از حد معمول نگه دارند ولی تلاش میکنند که این میزان کاهش تولید گازهای سمی و گلخانه ای را در حد معمول ۷۵٪ پایین آورند. متعاقب این اعلامیه از سوی Laurent Fabius رئیس پرتلاش اجلاس پاریس، تظاهرات ده هزار نفری در همان شهر محل کنفرانس برگزار شد. ائتلافی عظیم از بزرگترین سازمانهای محیط زیستی و احزاب و گروه های چپ در این تظاهرات نقش رهبری کننده داشتند و با شعارهای محوری "ما همه خرس های قطبی هستیم" به کار خود معنا و مفهومی دلپسند دادند.

مطلب من در راستای افشا این ظاهر سازی کنفرانس چی ها و موافقت نامه های تو خالی آنهاست. من بی شک از هر مرجع ممکن در این چهار چوب بهره برده ام بویژه آنجا که پای ارفاقم به وسط کشیده میشود بهترین اخبار در این زمینه را از خود سایت سازمان ملل متحد و گروه های نظیر Green peace و غیره بدست آورده ام. من معتقدم که با حضور مناسباتی که بنیاد آن روی تولید انبوه و استخراج بی رویه مواد سوخت فسیلی و گردش کاری برابر نابودی محیط زیست است، نمیتوان از نتایج کنفرانس های سران کشورهای تولیدکننده همین گازهای سمی امید تلاش در بهبود اوضاع جوی و طبیعی داشت. برای مثال کشوری مثل ایران که سهمی حتی ناچیز در تولید صنعتی جهان ندارد مسئول تولید ۷۷ درصد گازهای سمی و گلخانه ای است (استخراج نفت و سوزاندن بی رویه آن ...). در همین راستا مینویسم که کشوری چون نیوزیلند با صنعت تولید گوشت و پشم مسئول انتشار گاز سمی و نیترات و ازت و غیره به جو زمین به میزان ۲ درصد است. برای مثال های بعدی سراغ کشورهای امریکای مرکزی و جنوبی میروم که چون برزیل و تحت سیاست های چپ میانه حزب کارگران توانسته اند سطح فقر و بیکاری عمومی را به میزان ۶۴ درصد (طبق آمار مرکز توسعه UN) کاهش دهد. یا ونزوئلا که بیکاری از ۱۷ درصد به تنها ۷ درصد رسانده و Eva Morales بولیویایی خط فقر را از ۳۸ درصد مردم برداشته و اکنون تنها ۲۱ درصد شهروندان در زیر خط فقر زندگی میکنند. بانک جهانی در گزارش سال گذشته خود مینویسد که اکوادور تحت رهبری Rafael Correa تعداد بیکاران و کم درآمدان آن دیار را از ۵۴ درصد به ۳۲ درصد تنزل داده و فقر زدایی ونزوئلا برآستی معجزه نموده است که همه به مدد استخراج نفت خام است!

سری به کشور چین بزنیم که مینویسم، دوسوم گازهای سمی اضافه بر حد معمول در جهان تولید میشود را صنایع چین بوجود میآورد و در همین حال چینی ها به جنگ فقر بسوادی و بیکاری رفته به نحوی که میلیون ها شهروند چینی بعنوان

طبقه متوسط و تحصیل کرده توانسته اند خود را به اروپا و امریکای شمالی برسانند و این روند ادامه دارد. که بیکاری در شهرهای بزرگ کشور چین امری فراموش شده است و این پدیده را فقط میتوان در مراکز روستایی یافت. همین آمارها اما که روی دیگری را هم به بحث میگذارد و آن تولید گازهای سمی و گلخانه ای تولیدی همین کشورهای رو به توسعه و با آهنگ شتابان است. که ثروت آنها بیشتر از استخراج مواد معدنی و فسیلی و تولیدات صنعتی است و تولیدکننده گاز سمی و تخریب محیط زیست. آمار مربوط به کمیسیون محیط زیست سازمان ملل متحد میگوید که کشورهای نظیر برزیل اکوادور و بولیویا دل کوه ها و جنگل را شکافته اند و با جنگل زدایی به مواد خام و نفت و معادن فلزات گوناگون رسیده اند که حوزه آمازون برآستی و تاکنون دستگاه تنفسی (شش) کره زمین و جو آن شناخته شده و آمار مذکور این جنگل زدایی را کمتر از تخریب صنعتی صنایع کشورهای اروپایی و امریکای شمالی نمیداند. که نفت آنها حتی در هندوستان و صنایع آنها دود میشود و به هوا میرود!

در همین راستا میتوان سری به تلاشهای انسان دوستانه مطرح در رسانه های جریان عمومی زد که صدها میلیون دلار تاکنون به سازمانهای حفظ محیط زیست کمک مالی کرده اند. امثال Bill Gates یا Michael Bloomberg (شهردار سابق نیویورک). این ها میلیاردهای انشان دوستی هستند که در ضمن مثل آقای بیل گیتس که در همان زمانی که ۴ میلیون به کنفرانس محیط زیستی می فرستد ولی یک میلیارد و دو بیست میلیون دلار از ثروتش را هم سهام شرکتهای نفتی بریتیش پترولیوم و Exxon Mobil میخرد یعنی سهام شرکت مسئول تخریب محیط زیست را! در زمینه تحصیل این ثروت و رفقای امثال آقای گیتس و بلوم برگ و Brants میتوانی به واپسین کتاب خانم ناومی کلاین بنام "این همه چیز را تغییر میدهد" رجوع کنید. مرجعی که معتقد است با رقابتی که در دنیای سرمایه داری و برای انباشت سرمایه رقابت بین گرگ ها در گرفته انتظار ارائه راه حل زیست محیطی از آنان شاید خود فریبی باشد ولی ما مسئولیت اخلاقی داریم که از پانیا فیتیم و همپای یک جنبش اجتماعی عمومی این معضل را به بنیاد مناسبات پوسیده ای بنام سرمایه داری پیوند زنیم که به بیان بهتر، جنگ بین گرگ ها نیست بلکه دعوی بین محیط زیست و سرمایه داری است جنگی آخرین!

نگاهی عملی داشته باشیم به معضلی بنام تولید و انتشار گازهای گلخانه ای و راه کارهای که امثال کنفرانی پاریس ارائه میدهد. یک کلام باید نوشت که برای ارائه طرح عملی و ریشه ای باید ریشه مصرف سوخت فسیلی را نشانه گرفت و این کار اگر هم با ابتکاراتی قابل ستایش مثل تلاش های دولت و ملت آلمان در کاهش مصرف نفت و برافراشتن توربین های بادی و خورشیدی همراه آید ولی نمیتوان پاسخی به حیات اقتصادی یک ایل بوربور از کشورهای تولیدکننده نفت خام داد! پس از کجا باید آغاز نمود و چگونه و چه کسانی باید گرداننده و مدیریت کارها را در دست داشته باشند. آیا تولیدکنندگان گازهای سمی را میتوان با من بمیرم و قسم و آیه به این امر دعوت نمود. که سران و نمایندگان شرکت کننده از سوی برترین کشورهای جهان تنها نماینده سیاسی انحصاراتی هستند که انتخاب آنها را در رقابت های انتخاباتی ممکن کرده اند. آیا با توافق نامه پاریس میتوان گزینه ای عملی برای تغییر ریل تولیدی در جهان صنعتی ارائه دهد. این ها مسایلی هستند که بی شک ساختار شیوه تولیدی بنام سرمایه داری را هدف قرار میدهند و از کنفرانس چی های دوره ای هم اکیدا بر نمیآید.

آنچه که حیات و زندگی و استمرار این نوع مناسبات را تضمین میکند آن هم امکان تصاعدی افزایش سود و انباشت سرمایه است که هر نوع مانع و محدودیت را از سر راهش برمیدارد. سری به مسئله نفت- شن استان آلبرتا در کانادا بزنیم. مسئله سود و حیات سرمایه داری پیشرفته ترین ها را هم چون کانادا مجبور میسازد تا به جهانیان دروغ گوید و افکار عمومی را فریب دهد. نفت- شن یا قیر- شن آلبرتا آغشته به ماده ای است هلاک کننده بنام Bitumin که در آب هم حل میشود و چرخه تولید مواد غذایی و احشام را مسموم و بیمار میسازد ولی دولت کانادا آن را لاپوشانی کرد. برای جدا کردن نفت از شن مخازن عظیم آب زیرزمینی لازم است که در نتیجه حفره های مسموم و ضایعات خطرناک باقی گذارده است. چنین بود که سرتاسر این کشور نیروهای مترقی و بویژه بومیان کانادا علیه لوله کشی شرکت ان بریج بسیج شدند.

یادی کنیم از بودجه ای که شرکتهای نفتی برای به تعویق انداختن شناسایی گرمایش زمین و عامل سوخت فسیلی در تغییرات آب و هوا و خطرناک روزانه و در مقطع گفتگوهای کنگره امریکا ، ۴۰۰ هزار دلار خرج لابی های خود نمودند. من در این مطلب با قید مسئولیت حتی کشورهای عقب مانده ای از چرخه صنعتی چون ایران ، عربستان ، ونزوئلا ، اکوادور و بولیوی و... مینویسم که مبارزه علیه گرمایش زمین هم ویژه کشورهای اروپایی و امریکای شمالی نیست و داستان بسیار پیچیده تر و در عین حال مهم تر از نتایج کنفرانس هایی چون پاریس است و اگر چشم انداز خود را مقابله نهایی عنصر کار بین المللی علیه سرمایه و مناسباتش قرار دهیم. پس هم اکنون و تا آن زمان مبارزه بی امان علیه تولیدگازهای سمی و وظیفه اخلاقی ماست که آنها را جدا از مسئولیت ها برای عدالت اجتماعی آزادی و برابری نیست.

